سقوط معدل‌ها در امتحانات نوک قلّه یخ است

جیغ بنفش آزمون نهایی سر آموزش‌وپرورش

سیدعلیرضا طاهری
خبرنگار

افت پی‌سابقه میانگین نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی، بار دیگر نظام آموزشی ایران را در کانون توجه قرار داده است. مهدی نویدادهم، مشاور وزیر آموزش‌وپرورش چندی قبل در مصاحباتی اعلام کرد: «میانگین نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های نهایی بین ۸ تا ۱۰ است و میانگین کشوری نیز در همین حدود است.» این آمار نه‌تنها نشان‌دهنده یک چالش جدی، بلکه هشداری برای آینده تحصیلی میلیون‌ها دانش‌آموز ایرانی است. نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی، کمبود معلمان متخصص در مناطق محروم و نبود زیرساخت‌های پیشرفته در بسیاری از مدارس، کیفیت آموزش را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. از کلاس‌های شلوغ و فرسوده گرفته تا کمبود تکنولوژی‌های جدید همه سبب شده تا نظام آموزشی ایران در گردابی از مشکلات ساختاری گرفتار شود. بااین‌حال پرسشی که به وجود می‌آید، این است که چگونه به این نقطه رسیدیم؟! چرا تلاش‌های گذشته نتوانسته کیفیت آموزش را بهبود ببخشد و میانگین نمرات را بالا ببرد و علت اصلی پایین آمدن نمرات دانش‌آموزان چیست؟! محمد محمدشیرازی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و علی عبدالعالی، استاد تمام دانشگاه علم‌وصنعت و عادل برکمپ، معلم آموزش‌وپرورش در مصاحبه با «فرهیختگان» به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. محمدشیرازی با برشمردن عوامل تأثیرگذار در افت نمرات دانش‌آموزان و راهکارهای جلوگیری از این وضعیت و عبدالعالی با اشاره به محتوای آموزشی کهنه، دوری از فناوری‌های نوین و نبود برنامه‌های انگیزشی و رقابتی برای دانش‌آموزان و معلمان، نظام آموزشی را در مسیر ناکجاآباد توصیف می‌کند. عادل برکمپ نیز با اشاره به بحران ساختاری، از نبود مکانیسم‌های اصلاحی مؤثر انتقاد کرده و خواستار بازنگری فوری در اولویت‌های آموزشی کشور شده است.

مربوط به ساعت‌های آموزشی است. ساعت آموزشی طبق سند تحول باید به‌گونه‌ای باشد که ۹۲۸ ساعت آموزش در دوران دبستان داشته باشیم؛ اما عملاً آنچه در مدارس اتفاق می‌افتد، کمتر از ۶۰۰ ساعت است، یعنی برنامه درسی بر اساس ۹۲۵ ساعت نوشته شده، اما فقط حدود ۶۰۰ ساعت آموزش واقعی در مدارس محقق می‌شود. این کاهش ساعت آموزشی بخشی به دلیل تعطیلات و آلودگی هوا و مسائل مختلف دیگر است. این کمبود ساعت آموزشی یعنی عملاً بخش زیادی از زمان آموزشی از بین رفته و در نتیجه برنامه درسی دیگر نمی‌تواند به‌صورت تمام‌وکمال آموزش داده شود. به همین دلیل، آموزش با سرعت بالا و بدون فهم عمیق پیش می‌رود و صرفاً به مباحث حفظی اهمیت داده می‌شود؛ چراکه زمان کافی برای آموزش مفهومی وجود ندارد.»

تراکم غیراستاندارد دانش‌آموزان در کلاس‌ها

شیرازی با اشاره به تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌های درس گفت: «مسئله دیگر بحث تراکم کلاس‌هاست. از عوامل که به‌شدت بر کیفیت آموزشی تاثیر می‌گذارد، تراکم کلاس‌هاست. اگر تراکم کلاس از حد استاندارد عبور کند، به‌خصوص در دوره دبستان، تأثیر منفی زیادی بر کیفیت آموزش می‌گذارد. وقتی تعداد دانش‌آموزان زیاد باشد، توانایی انجام کار گروهی، کار کلاسی و تمرین‌های تعاملی کمتر می‌شود و آموزش به سمت یک‌طرفه شدن پیش می‌رود؛ یعنی معلم صحبت می‌کند و دانش‌آموزان فقط شنونده هستند.» او با اشاره به استاندارد سرانه فضای آموزشی افزود: «استاندارد سرانه فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز حدود ۸.۵ تصمیمات متناسب را منقطع خود را بگیرند، برای مثال مدارس در هفته زودتر یا دیرتر به پایان برسد تا میزان ساعت‌های آموزشی مصوب شده تحقق یابد. این انعطاف‌پذیری اگر در اختیار استان‌ها باشد، باعث می‌شود که مناطق مختلف بتوانند زمان آموزشی خود را متناسب با اقتضائات منطقه‌ای محقق کنند.»

اختیارات و مسئولیت‌ها به استان‌ها واگذار شود

محمدشیرازی با اشاره به ضرورت تمرکززدایی از نهاد تصمیم‌گیر در حوزه آموزش و پرورش گفت: «مسئله دیگر اهمیت و ضرورت تمرکززدایی است. در حال حاضر نظام آموزشی ما به صورت کاملاً متمرکز اداره می‌شود. این تمرکز دو پیامد مهم دارد: اول آنکه برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان و خرد با ذهنیت افرادی که در ستاد مرکزی آموزش و پرورش هستند، انجام می‌شود. این ذهنیت مرکزی، تفاوت‌های منطقه‌ای، جغرافیایی و فرهنگی سایر استان‌ها را نادیده می‌گیرد. به عبارت دیگر افرادی که در تهران نشسته‌اند، برای تمام مناطق کشور تصمیم‌گیری می‌کنند، بی‌آنکه اقتضائات بومی آن مناطق را لحاظ کرده باشند. برای مثال، تقویم آموزش را در نظر بگیرید. طبق قانون، زمان بازگشایی و پایان مدارس مشخص شده (اول مهر تا آخر خردادماه) اما مشاهده می‌کنیم که در بسیاری از مناطق، مثلاً مناطقی که فعالیت کشاورزی و باغداری دارند یا شرایط آب و هوایی بسیار متفاوتی با مرکز دارند، امکان حضور دانش‌آموزان در مدرسه مهیا نیست و آن‌ها از دریافت خدمات آموزشی محروم می‌مانند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که تصمیمات به‌صورت متمرکز و بدون لحاظ کردن اقتضائات مناطق مختلف گرفته شود. اما اگر اختیار نظام آموزشی در دست استان‌ها باشد، آن‌ها براحتی می‌توانند یکی از راهکارها ایجاد این است که با تکیه بر همین قانون برنامه هفتم، مسیر آموزش دانش‌آموزان را به سمت آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و مهارت‌های شغلی سوق دهیم.»

شکاف در میانگین نمرات دانش‌آموزان

محمدشیرازی با اشاره به افت میانگین نمرات دانش‌آموزان گفت: «میانگین نمرات دانش‌آموزان مطابق گفته مشاور وزیر مایین ۸ تا ۱۰ است، اما آن چیزی که شاید مهم‌تر از میانگین نمرات دانش‌آموزان باشد، این نکته است که این میانگین نمرات به‌صورت کاملاً ناعادلانه بین مناطق مختلف کشور توزیع شده است، یعنی مناطقی در کشور وجود دارد که میانگین آن مناطق حدود ۳ و ۴ است؛ اما برعکس برخی مناطق در شهر تهران نیز وجود دارد که میانگینشان بالای ۱۵ است. این دو مسئله در کنار هم دو نکته مهم را به ما نشان می‌دهد؛ اول به ما نشان می‌دهد که در همه میزان یادگیری دانش‌آموزان که ارتباط وثیقی با کیفیت خدمات آموزشی ارائه‌شده دارد، بسیار پایین است و دوم آنکه در همین کیفیت پایین، ناعدالتی وجود دارد. اما در خصوص اینکه چه عواملی باعث این نابرابری و افت کیفیت و یادگیری شده‌اند، می‌توان به چند مسئله اشاره کرد. برخی از این مسائل خارج از حوزه نظام آموزش‌وپرورش هستند و برخی درون این نظام قرار دارند. تمرکز نکاتی که مطرح می‌کنم به عواملی است که بر درون نظام آموزش‌وپرورش وجود دارد و کیفیت و عدالت آموزشی را زیر سؤال می‌برند.»

اکثر معلمان فرآیند گزینش قابل قبول نداشتند

محمدشیرازی با اشاره به مسئله مسائل نظام آموزش‌وپرورش به نظام تأمین معلم پرداخت و در این زمینه بیان کرد: «اولین مسئله در خصوص نامطلوب بودن کیفیت آموزش در ایران مربوط به «نظام تأمین معلم» می‌شود. آمارهای مختلفی در این زمینه وجود دارد، اما آنچه قابل توجه است این است که بیش از ۵۰ درصد از معلمان ما بدون اینکه گزینش شده باشند، معلم رسمی آموزش‌وپرورش شده‌اند، یعنی برخی معلمان چندسال به‌صورت حق‌التدریس یا از طریق شهرداری موسوآموزی را به‌کار آموزش‌وپرورش همکاری داشته‌اند. سپس با توجه به قوانینی که وضع می‌شود، جذب آموزش‌وپرورش می‌شوند، بدون اینکه گزینش شده و دوره‌های ضمن خدمت یا کیفیتی را طی کرده باشند. از طرفی با توجه به برگزاری دیرهنگام آزمون‌های استخدامی آموزش‌وپرورش افراد منتخب بدون هیچ‌گونه آمادگی و بدون گذراندن دوره‌های مهارت معلمی وارد کلاس درس می‌شوند. این در حالی است افرادی که می‌خواهند از طریق ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان وارد نظام آموزش‌وپرورش شوند، می‌بایست به مدت یکسال آموزش‌های مهارتی معلمی را طی کنند. معلمی عوامل متعددی است که عملاً بسیاری از معلمان توانایی لازم برای آموزش را نداشته و نتوانند مطالب را به‌خوبی به دانش‌آموزان منتقل کنند.»

برنامهٔ درسی مدارس نامتناسب با تحولات جامعه

محمدشیرازی همچنین در خصوص وضعیت برنامه درسی دانش‌آموزان افزود: «مسئله دوم، مربوط به برنامه درسی است. اگر برنامه درسی توانایی این حس را در دانش‌آموز به وجود آورد که این مطالب درسی در آینده مورداستفاده قرار می‌گیرد، باعث دل‌زدگی دانش‌آموزان از درس می‌شود، یعنی حتی اگر معلم توانمند باشد و سایر امکانات هم مهیا باشند، بااین‌حال اگر دانش‌آموز احساس کند این مطالب کاربردی در آینده ندارد، به این مطالب بی‌توجه شده و نسبت به آزمون‌ها بی‌تفاوت می‌شود. البته باید گفت طبق بررسی‌ها شواهدی وجود ندارد که نشان دهد کیفیت آموزشی در این سال‌ها افت کرده اما شرایط به‌گونه‌ای است که دانش‌آموزان دیگر به درس خواندن بی‌انگیزه شده‌اند. هدف خیلی از دانش‌آموزان فقط این است که نمره‌ای بگیرند، درس مربوطه را پاس شوند و در آخر مدرکی بگیرند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که از دید دانش‌آموزان این کمبود کلی خاصی به آینده شغلی یا اجتماعی‌شان نکند. بنابراین می‌توان گفت یکی از علت‌های پایین آمدن نمرات دانش‌آموزان، ناشی از کاهش انگیزه آنها برای درس خواندن است. در همین خصوص رهبر انقلاب نیز در فرمایشاتشان در این زمینه تأکید داشتند که باید در برنامه‌های درسی تحولی جدی ایجاد شود، به‌گونه‌ای که دانش‌آموز احساس کند اگر این درس را می‌خواند، حتماً در آینده شغلی‌اش تاثیر می‌گذارد یا سبب تقویت مهارت‌های اجتماعی‌اش می‌شود.»

ادامه در صفحه ۱۵

تحقق کمتر از ۶۰۰ ساعت آموزش به جای ۹۲۵ ساعت

محمدشیرازی با تأکید به عدم همخوانی ساعت‌های درسی مقرر و ساعت‌های درسی که عملی می‌شود، افزود: «مسئله سوم در این زمینه به یکسانی با کیفیت خدمات آموزشی ارائه‌شده دارد، بسیار پایین است و دوم آنکه در همین کیفیت پایین، ناعدالتی وجود دارد. اما در خصوص اینکه چه عواملی باعث این نابرابری و افت کیفیت و یادگیری شده‌اند، می‌توان به چند مسئله اشاره کرد. برخی از این مسائل خارج از حوزه نظام آموزش‌وپرورش هستند و برخی درون این نظام قرار دارند. تمرکز نکاتی که مطرح می‌کنم به عواملی است که درون نظام آموزش‌وپرورش وجود دارد و کیفیت و عدالت آموزشی را زیر سؤال می‌برند.»

اکثر معلمان فرآیند گزینش قابل قبول نداشتند

محمدشیرازی با اشاره به مسئله مسائل نظام آموزش‌وپرورش به نظام تأمین معلم پرداخت و در این زمینه بیان کرد: «اولین مسئله در خصوص نامطلوب بودن کیفیت آموزش در ایران مربوط به «نظام تأمین معلم» می‌شود. آمارهای مختلفی در این زمینه وجود دارد، اما آنچه قابل توجه است این است که بیش از ۵۰ درصد از معلمان ما بدون اینکه گزینش شده باشند، معلم رسمی آموزش‌وپرورش شده‌اند، یعنی برخی معلمان چندسال به‌صورت حق‌التدریس یا از طریق شهرداری موسوآموزی را به‌کار آموزش‌وپرورش همکاری داشته‌اند. سپس با توجه به قوانینی که وضع می‌شود، جذب آموزش‌وپرورش می‌شوند، بدون اینکه گزینش شده و دوره‌های ضمن خدمت یا کیفیتی را طی کرده باشند. از طرفی با توجه به برگزاری دیرهنگام آزمون‌های استخدامی آموزش‌وپرورش افراد منتخب بدون هیچ‌گونه آمادگی و بدون گذراندن دوره‌های مهارت معلمی وارد کلاس درس می‌شوند. این در حالی است افرادی که می‌خواهند از طریق ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان وارد نظام آموزش‌وپرورش شوند، می‌بایست به مدت یکسال آموزش‌های مهارتی معلمی را طی کنند. معلمی عوامل متعددی است که عملاً بسیاری از معلمان توانایی لازم برای آموزش را نداشته و نتوانند مطالب را به‌خوبی به دانش‌آموزان منتقل کنند.»

برنامهٔ درسی مدارس نامتناسب با تحولات جامعه

محمدشیرازی همچنین در خصوص وضعیت برنامه درسی دانش‌آموزان افزود: «مسئله دوم، مربوط به برنامه درسی است. اگر برنامه درسی توانایی این حس را در دانش‌آموز به وجود آورد که این مطالب درسی در آینده مورداستفاده قرار می‌گیرد، باعث دل‌زدگی دانش‌آموزان از درس می‌شود، یعنی حتی اگر معلم توانمند باشد و سایر امکانات هم مهیا باشند، بااین‌حال اگر دانش‌آموز احساس کند این مطالب کاربردی در آینده ندارد، به این مطالب بی‌توجه شده و نسبت به آزمون‌ها بی‌تفاوت می‌شود. البته باید گفت طبق بررسی‌ها شواهدی وجود ندارد که نشان دهد کیفیت آموزشی در این سال‌ها افت کرده اما شرایط به‌گونه‌ای است که دانش‌آموزان دیگر به درس خواندن بی‌انگیزه شده‌اند. هدف خیلی از دانش‌آموزان فقط این است که نمره‌ای بگیرند، درس مربوطه را پاس شوند و در آخر مدرکی بگیرند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که از دید دانش‌آموزان این کمبود کلی خاصی به آینده شغلی یا اجتماعی‌شان نکند. بنابراین می‌توان گفت یکی از علت‌های پایین آمدن نمرات دانش‌آموزان، ناشی از کاهش انگیزه آنها برای درس خواندن است. در همین خصوص رهبر انقلاب نیز در فرمایشاتشان در این زمینه تأکید داشتند که باید در برنامه‌های درسی تحولی جدی ایجاد شود، به‌گونه‌ای که دانش‌آموز احساس کند اگر این درس را می‌خواند، حتماً در آینده شغلی‌اش تاثیر می‌گذارد یا سبب تقویت مهارت‌های اجتماعی‌اش می‌شود.»

آموزش‌وپرورش تمام زندگی فرد است

عادل برکمپ با اشاره اهمیت و تأثیرگذاری و ارتباط گسترده افراد با نهاد آموزش‌وپرورش می‌گوید: «یک فرد از ۶ سالگی تا ۱۸ سالگی، خواه یا ناخواه ۱۲ سال در نظام آموزش‌وپرورش تحصیل می‌کند. بعد از آن هم به نوعی وابسته به این نهاد است. یعنی اگر تحصیل دانشگاهی و شغل مرتبط داشته باشد باز به این نهاد وابسته است، حتی زمانی که صاحب فرزند می‌شود، به واسطه اولیا بودن، درگیر مدرسه است. حتی بعدها مثلاً به‌عنوان پدربزرگ یا مادربزرگ هم این وابستگی وجود دارد. بارها دیده‌ایم که به واسطه نوه داشتن پدربزرگ و مادربزرگ‌ها به نوعی درگیر این نهاد هستند. همین نهاد به واسطه تربیت افراد باعث تأثیر بر اقتصاد، فرهنگ و قسمت‌های مختلف جامعه می‌شود. این اهمیت اساسی مدرسه و نهاد آموزش‌وپرورش است که از زندگی شخصی تا اتفاقات کلان تأثیر می‌گذارد، اما با این میزان از تأثیر و با این میزان از اهمیت می‌بینیم همچنان اتفاق مبارکی در این نهاد نیفتاده است.»

عادل برکمپ با اشاره به وضعیت ساختار نهاد آموزش در ایران به عدم وجود مکانیسم‌های اصلاحگر پرداخته و در این خصوص بیان می‌کند: «زمانی یک سازمان می‌تواند پویا و بالنده باشد که اگر اشتباهی در آن شکل گرفت بتواند با استفاده از مکانیسم‌های اصلاحی، سازوکاری برای بازگشت از مسیر خطا و جلوگیری از بیراهه رفتن یا ترمیم اشتباهات و تصمیمات غلط داشته باشد. متأسفانه ما شاهد اخذ تصمیمات غلط، سیاست‌های غلط و اجراهای غلط، بی‌برنامگی‌ها و گاهی کاستی‌های فراوان در بعضی از سال‌ها بوده‌ایم. در برابر چنین وضعیتی کارشناسان زیادی در طول دو دهه اخیر به این موضوع اشاره کردند؛ اما در اکثر مواقع مکانیسم اصلاحی وجود نداشت. خلقه اساسی نظام آموزشی این است که سازوکار اصلاحی ندارد. تقریباً می‌توان گفت هیچ مکانیسمی وجود ندارد که در زمان مناسب اخطار بدهد و جلوی اشتباهات را بگیرد. اما بالعکس می‌توان گفت این نهاد تا حد معناداری بی‌تفاوت و مقاوم در برابر هشدارها و اصلاحگری‌ها بوده است. در نظام آموزش‌وپرورش کمتر معلمی یا فردی را می‌بینید که بتواند به‌دور از محافظه‌کاری‌های موجود انتقاد کرده و هشدار بدهد و در برابر این هشدارها مورد انتقاد قرار نگیرد.» او همچنین افزود: «در حال حاضر یک رویه محافظه‌کاری در سازمان آموزش‌وپرورش وجود دارد. سازمانی که با تعارف و کارهای کلیشه‌ای گسترده مواجه شده و همین رویه یکی از دلایل ناکارآمدی این ساختار است. متأسفانه واقعیت آموزش‌وپرورش بسیار دیر به عرصه عمومی ظاهر شده است. خیلی قبل‌تر از رسیدن به این لحظه، قبل از اینکه خیلی‌ها به دیپلم برسند کارشناسان این حوزه عامل لازم را داده بودند که متأسفانه شنیده نشد. امروز هم می‌گوییم به این روند می‌بایست منتظر اخبار و اطلاعات و داده‌ها و آمارهای بدتر از این باشیم.»

مسائل آموزش‌وپرورش حل نمی‌شود

عادل برکمپ در ادامه با مثال زدن از هشدارهایی که در گذشته نسبت به تمرکز صرف بر سیاست نخبه‌پروری بدون توجه به ارتقای کیفیت آموزش عمومی بود، بیان کرد: «یک زمان کارشناسان منتقد می‌گفتند اگر آموزش‌وپرورش دارد به رتبه‌های تک‌رقمی در المپیادها افتخار می‌کند این بیشتر از اینکه یک دستاورد افتخارآمیز باشد یک زنگ خطر و هشدار است. در هیچ کشوری در دورترین که من هیچ‌گونه پرونده قضایی و اطلاعاتی ندارم. فعالیت‌های آموزش‌وپرورش به شکلی است که نگاه می‌کند چه کسی انتقاد می‌کند.» برکمپ همچنین اضافه می‌کند: «مسائل امروز نهاد آموزش، همان مسائل دیروز است. در دوره‌ای که من در موضوعیت مدارس صحبت می‌کردیم، امروز هم در مورد مدارس کانکسی صحبت می‌کنیم. اگر دیروز در مورد وضعیت گرمایش مدارس صحبت می‌کردیم امروز هم موضوع همان موضوع است. دیروز در مورد کمبود معلم صحبت می‌کردیم، امروز هم در این خصوص صحبت می‌کنیم. به نوعی مسائل حل نمی‌شود بلکه به نوعی هم اضافه می‌شود. برای مثال به مسئله اردوهای دانش‌آموزی نگاه کنید. متأسفانه بعدترین سال اتفاقات و حوادث ناگواری افتاد و به جای حل به روش اصولی، اجازه سفرهای علمی دانش‌آموزی داده نشد. مشابه به قتل عام مردان و تجاوزی سیستماتیک علیه دختران و زنان و پرزنان مسلمان بوسنیایی کردند.

برکمپ با اشاره به مسئله مسائل موجود در نظام آموزش‌وپرورش معتقد است: «واقعیت این است که مسائل نظام آموزش‌وپرورش هر روز در حال پیچیده‌تر شدن است. به نظر می‌آید افرادی که بتوانند مسائل را حل کنند، انتخاب نمی‌شوند. یا گذشت زمان بعضاً افراد صفحه‌ترنی انتخاب می‌شوند و به نظر می‌آید بدنه کارشناسی آموزش‌وپرورش در سطح ستاد بسیار ضعیف است.»

او در ادامه می‌گوید: «اگر این میزان حساسیت که به پرد و باخت تیم ملی است، این میزان حساسیتی که در انتخاب سرمربی و بازیکنان یک تیم است که بعضاً شاهدیم برای انتخاب سرمربی یک تیم تجمع صورت می‌گیرد و کمیته‌های مختلفی شکل می‌گیرد، برای انتخاب یک وزیر هم این اتفاق می‌افتاد، وضعیت بسیار متفاوت می‌بود. ما تا حال درخواست عمومی برای یک وزیر نتوانستیم و قوی نداشتیم. ما درخواست عمومی برای یک بودجه مناسب و عادلانه برای آموزش‌وپرورش نداشتیم. متأسفانه ما تقریباً هیچ مطالبه مردمی در این زمینه‌ها نداشتیم. ولی امیدوارم به شرایطی برسیم که دغدغه آموزش بتواند در بطن جامعه قرار بگیرد.»

آموزش‌وپرورش تمام زندگی فرد است

عادل برکمپ با اشاره اهمیت و تأثیرگذاری و ارتباط گسترده افراد با نهاد آموزش‌وپرورش می‌گوید: «یک فرد از ۶ سالگی تا ۱۸ سالگی، خواه یا ناخواه ۱۲ سال در نظام آموزش‌وپرورش تحصیل می‌کند. بعد از آن هم به نوعی وابسته به این نهاد است. یعنی اگر تحصیل دانشگاهی و شغل مرتبط داشته باشد باز به این نهاد وابسته است، حتی زمانی که صاحب فرزند می‌شود، به واسطه اولیا بودن، درگیر مدرسه است. حتی بعدها مثلاً به‌عنوان پدربزرگ یا مادربزرگ هم این وابستگی وجود دارد. بارها دیده‌ایم که به واسطه نوه داشتن پدربزرگ و مادربزرگ‌ها به نوعی درگیر این نهاد هستند. همین نهاد به واسطه تربیت افراد باعث تأثیر بر اقتصاد، فرهنگ و قسمت‌های مختلف جامعه می‌شود. این اهمیت اساسی مدرسه و نهاد آموزش‌وپرورش است که از زندگی شخصی تا اتفاقات کلان تأثیر می‌گذارد، اما با این میزان از تأثیر و با این میزان از اهمیت می‌بینیم همچنان اتفاق مبارکی در این نهاد نیفتاده است.»

عادل برکمپ با اشاره به وضعیت ساختار نهاد آموزش در ایران به عدم وجود مکانیسم‌های اصلاحگر پرداخته و در این خصوص بیان می‌کند: «زمانی یک سازمان می‌تواند پویا و بالنده باشد که اگر اشتباهی در آن شکل گرفت بتواند با استفاده از مکانیسم‌های اصلاحی، سازوکاری برای بازگشت از مسیر خطا و جلوگیری از بیراهه رفتن یا ترمیم اشتباهات و تصمیمات غلط داشته باشد. متأسفانه ما شاهد اخذ تصمیمات غلط، سیاست‌های غلط و اجراهای غلط، بی‌برنامگی‌ها و گاهی کاستی‌های فراوان در بعضی از سال‌ها بوده‌ایم. در برابر چنین وضعیتی کارشناسان زیادی در طول دو دهه اخیر به این موضوع اشاره کردند؛ اما در اکثر مواقع مکانیسم اصلاحی وجود نداشت. خلقه اساسی نظام آموزشی این است که سازوکار اصلاحی ندارد. تقریباً می‌توان گفت هیچ مکانیسمی وجود ندارد که در زمان مناسب اخطار بدهد و جلوی اشتباهات را بگیرد. اما بالعکس می‌توان گفت این نهاد تا حد معناداری بی‌تفاوت و مقاوم در برابر هشدارها و اصلاحگری‌ها بوده است. در نظام آموزش‌وپرورش کمتر معلمی یا فردی را می‌بینید که بتواند به‌دور از محافظه‌کاری‌های موجود انتقاد کرده و هشدار بدهد و در برابر این هشدارها مورد انتقاد قرار نگیرد.» او همچنین افزود: «در حال حاضر یک رویه محافظه‌کاری در سازمان آموزش‌وپرورش وجود دارد. سازمانی که با تعارف و کارهای کلیشه‌ای گسترده مواجه شده و همین رویه یکی از دلایل ناکارآمدی این ساختار است. متأسفانه واقعیت آموزش‌وپرورش بسیار دیر به عرصه عمومی ظاهر شده است. خیلی قبل‌تر از رسیدن به این لحظه، قبل از اینکه خیلی‌ها به دیپلم برسند کارشناسان این حوزه عامل لازم را داده بودند که متأسفانه شنیده نشد. امروز هم می‌گوییم به این روند می‌بایست منتظر اخبار و اطلاعات و داده‌ها و آمارهای بدتر از این باشیم.»

مسائل آموزش‌وپرورش حل نمی‌شود

عادل برکمپ در ادامه با مثال زدن از هشدارهایی که در گذشته نسبت به تمرکز صرف بر سیاست نخبه‌پروری بدون توجه به ارتقای کیفیت آموزش عمومی بود، بیان کرد: «یک زمان کارشناسان منتقد می‌گفتند اگر آموزش‌وپرورش دارد به رتبه‌های تک‌رقمی در المپیادها افتخار می‌کند این بیشتر از اینکه یک دستاورد افتخارآمیز باشد یک زنگ خطر و هشدار است. در هیچ کشوری در دورترین که من هیچ‌گونه پرونده قضایی و اطلاعاتی ندارم. فعالیت‌های آموزش‌وپرورش به شکلی است که نگاه می‌کند چه کسی انتقاد می‌کند.» برکمپ همچنین اضافه می‌کند: «مسائل امروز نهاد آموزش، همان مسائل دیروز است. در دوره‌ای که من در موضوعیت مدارس صحبت می‌کردیم، امروز هم در مورد مدارس کانکسی صحبت می‌کنیم. اگر دیروز در مورد وضعیت گرمایش مدارس صحبت می‌کردیم امروز هم موضوع همان موضوع است. دیروز در مورد کمبود معلم صحبت می‌کردیم، امروز هم در این خصوص صحبت می‌کنیم. به نوعی مسائل حل نمی‌شود بلکه به نوعی هم اضافه می‌شود. برای مثال به مسئله اردوهای دانش‌آموزی نگاه کنید. متأسفانه بعدترین سال اتفاقات و حوادث ناگواری افتاد و به جای حل به روش اصولی، اجازه سفرهای علمی دانش‌آموزی داده نشد. مشابه به قتل عام مردان و تجاوزی سیستماتیک علیه دختران و زنان و پرزنان مسلمان بوسنیایی کردند.

برکمپ با اشاره به سلسله مسائل موجود در نظام آموزش‌وپرورش معتقد است: «واقعیت این است که مسائل نظام آموزش‌وپرورش هر روز در حال پیچیده‌تر شدن است. به نظر می‌آید افرادی که بتوانند مسائل را حل کنند، انتخاب نمی‌شوند. یا گذشت زمان بعضاً افراد صفحه‌ترنی انتخاب می‌شوند و به نظر می‌آید بدنه کارشناسی آموزش‌وپرورش در سطح ستاد بسیار ضعیف است.»

او در ادامه می‌گوید: «اگر این میزان حساسیت که به پرد و باخت تیم ملی است، این میزان حساسیتی که در انتخاب سرمربی و بازیکنان یک تیم است که بعضاً شاهدیم برای انتخاب سرمربی یک تیم تجمع صورت می‌گیرد و کمیته‌های مختلفی شکل می‌گیرد، برای انتخاب یک وزیر هم این اتفاق می‌افتاد، وضعیت بسیار متفاوت می‌بود. ما تا حال درخواست عمومی برای یک وزیر نتوانستیم و قوی نداشتیم. ما درخواست عمومی برای یک بودجه مناسب و عادلانه برای آموزش‌وپرورش نداشتیم. متأسفانه ما تقریباً هیچ مطالبه مردمی در این زمینه‌ها نداشتیم. ولی امیدوارم به شرایطی برسیم که دغدغه آموزش بتواند در بطن جامعه قرار بگیرد.»

بودجه آموزش‌وپرورش صرف بدهی‌ها می‌شود

او با اشاره به وضعیت افزایش کیفیت و عدالت آموزشی می‌افزاید: «نهاد تصمیم‌گیر ما در آموزش‌وپرورش باید آگاه باشد که یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های کشور ما، عدم عدالت آموزشی است. یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های کشور ما این است که با آرمان‌هایی که از آن صحبت کردیم فاصله معنادار داریم. امروز نزدیک به یک میلیون بازمانده از تحصیل داریم که تک‌تک آن‌ها فرزندان این کشور محسوب می‌شوند. امروز ما می‌توانیم به کمک تکنولوژی‌های نوین برای مثال با یک عینک پیشرفته چند میلیون نوآموز، مسئله عدالت آموزشی را در مناطق محروم حل کنید. مسئولان ما باید متوجه این مسائل بشوند. عدم توجه به این مسائل باعث می‌شود تصمیم مسئولان ما این بود که به بروند یک کار نمادین را که برای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است دوباره پیاده کنند.»

در آزمون‌های بین‌المللی ۱۰ درصد آخر دنیاییم

عبدالعالی با اشاره به تشخیص و تجویزهای غلط در خصوص وضعیت آموزش‌وپرورش گفت: «مسئولان آموزش‌وپرورش باید بدانند آموزش‌وپرورش امروز ما دارای سرطان است؛ درمان این سرطان نیز با قرص استامینوفن راه به جایی نمی‌برد. برای درمان سرطان به شیمی‌درمانی احتیاج است که البته شیمی‌درمانی هزینه و درد دارد. اگر خدای ناکرده دوستی به بیماری دچار شود برای تشخیص این بیماری، باید برود سی‌تی‌اسکن بدهد. باید آزمایش خون بدهد. باید آم‌آرای بدهد. برای تشخیص وضعیت آموزش‌وپرورش چه آزمایش‌هایی بالاتر از نتایجی که در حال کسب کردن آن هستیم، وجود دارد. برخی از آمارهایی که منتشر شده می‌گوید میانگین معدل درس‌های دانش‌آموزان در ایران مردود شده است. به‌علاوه ما در آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلنز، جزء ۱۰ درصد آخر دنیا قرار داریم. این نتایج قابل قبول است؟! به آزمون‌های بین‌المللی بیش از این دیگر اشاره نمی‌کنم. اصلاً می‌گوییم این آزمون‌های بین‌المللی یک مشکلی دارند. به داخل برمی‌گردیم. آزمونی را که خود ما طراحی می‌کنیم، خودمان از دانش‌آموزانمان می‌گیریم و خودمان آن را تصحیح می‌کنیم، نتیجه‌اش که گرفته‌ایم این است که در خیلی از استان‌ها میانگین دانش‌آموزان رد شده است. برخی آمارها نیز می‌گویند میانگین کل کشور زیر ۱۰ شده و این یعنی به نوعی دانش‌آموزان در امتحانات رفوزه شده‌اند. ایمدوارم از این فضایا به راحتی عبور نکنیم و باعث نشود که آزمون‌ها آسان شوند. زمانی که بیماری داریم و نتایج این را نشان داده است نباید به راحتی از آن عبور کنیم. اوضاع در نهاد آموزش‌وپرورش مناسب نیست و نباید خودمان را فریب بدهیم.»

مدارک رسمی دیگر اعتبار گذشته را ندارند

او با اشاره به بی‌ارزش بودن مسائل آموزش‌وپرورش و هشدارهای سال گذشته اضافه می‌کند: «همه نگرانی‌ها و هشدارها در سال‌های گذشته بارها به کیفیت آموزش‌وپرورش اشاره کرده‌اند. متأسفانه امروز با آن مواجه هستیم به گونه‌ای نیست که به یکباره با آن مواجه شده باشیم یا چیزی نبوده که از قبل هشداری داده نشده باشد. متأسفانه نگاه آموزش‌وپرورش عموماً این‌گونه بوده که اگر کسی هشدار می‌دهد شنیده نمی‌شود و یا با آن مخالفت می‌شود. من همه به عنوان یک فرد که در سالیان اخیر مصاحبه‌های متعددی کرده، می‌گویم بعد از گفته‌هایم چندین بار مورد شماتت قرار گرفته‌ام. برای مثال من رفتم در یک کانون دانش‌آموختگان تبشتام کردم. آموزش‌وپرورش با کانون دانش‌آموختگان شروع به مخالفت می‌کند، چرا؟ چون من آنجا هستم، این بودجه تخصیص داده‌شده، خرج بدهی‌های سال‌های گذشته می‌شود. اگر واقعاً بخواهیم به ۲۰ درصد واقعی طبق اسناد بالادستی برسیم، باید در چند سال آینده رقم بالاتری اختصاص داده شود تا بتوان با آن مجموعه بدهی‌های گذشته و بدهی‌های موکول‌شده به آینده را جبران کنیم. با لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود باید گفت که هیچ راهی جز بحث مالیات نمی‌رسیم. در این زمینه اولاً دغدغه‌ای که تصمیم‌گیران و مسئولان دارند، هزینه‌کرد مالیات در نظام آموزشی نیست. ثانیاً جامعه باید در این زمینه همراه باشد. موضوع بعدی تعارض بین مدارس دولتی و خصوصی است که افراد دارای مدارس خصوصی راضی به خرج مالیات در مدارس عمومی نیستند. بنابراین می‌توان گفت ساختار اقتصاد آموزش‌وپرورش، ساختار متزلزلی است. یعنی ساختار نظام آموزش مبتنی بر یک نظام اقتصاد عادلانه و محکم نیست. همچنین می‌توان گفت هیچ‌وقت نگاه به درآمدها پایدار نبوده است. لزوماً بودجه کشور بر اساس نیاز و واقعیت‌ها بسته نمی‌شود. سالانه مقداری به بودجه این نهاد اضافه می‌شود یا حال باید توجه کرد آیا این درصدی که افزایش داده شده، پاسخگوی نیازها است یا خیر. ما هر سال شاهد این هستیم که جمعیتی به مدارس اضافه می‌شوند. سالانه نیاز به نوسازی مدارس بیشتر شده و اتفاقاتی از این قبیل، یا این حال شاهدیم افزایش بودجه به اندازه افزایش تورم بوده است. اما همواره فاصله‌ای بین چیزی که نیاز بوده تا چیزی که تخصیص داده شده، وجود داشته است.»

برکمپ همچنین با اشاره به وضعیت اقتصادی آموزش‌وپرورش به این نکته اشاره می‌کند که تخصیص منابع و امکانات به اندازه تأمین درآمد مهم است و در این زمینه می‌گوید: «معضل اقتصاد آ